

بسمه تعالی

بررسی سیر نظام تعلیمی (تعلیم و تربیت) در باغچار

غلام رضا حسنی باغچاری

مقدمه

تعلیم و تربیت نقش مهمی در جامعه دارد، اداره جامعه، پیشرفت و ترقی آن در سایه تعلیم و تربیت صحیح و مطلوب میسر است. جامعه بشری با علم و دانش به ترقی، تعالی و پیشرفت های مادی و معنوی می رسد و عقل انسان در سایه تعلیم و تربیت پرورش می یابد. به همین جهت دین مبین اسلام اهمیت فراوانی به تعلیم و تربیت داده است. خداوند متعال وقت آدم را آفرید، وجود او را با زیور علم و معرفت بیاراست و با تعلیم اسماء او را بر ملائکه بر تری و فضیلت داد. و در اولین سوره که بر پیامبر اسلام نازل شد (سوره علق)، ارزش علم و دانش را بازگو فرموده و بر تمام بشر چنین منت نهاد که در میان تمام پدیده ها، وجود آنان را با علم و معرفت ممتاز ساخته و یکی از اهداف بعثت پیامبر اسلام تعلیم و تربیت شمرده شده است (جمعه/۲).

هدف از این نوشتار بررسی سیر نظام تعلیم و تربیت در باغچار است که با روش کتابخانه ای - میدانی، نظام تعلیمی در باغچار را در دو بخش مدرسه دینی (حوزه علمیه) و مکتب دولتی مورد بررسی قرار داده است.

نظام تعلیمی سنی و مدرن در ارزگان

در باره تاریخچه نظام تعلیمی در ارزگان، یک اثرمدون و قابل اعتماد وجود ندارد، زیرا با قتل عام شیعیان ارزگان توسط عبدالرحمان، نه تنها تمام آثار فکری و فرهنگی مردم نابود شد و از بین رفت. بلکه هر چه در آن نماد از تشیع مانند عالم دینی، کربلائی، زوار بود از بین بردند. آقای دولت آبادی می گوید: بین سال های ۱۲۹۸ تا ۱۳۱۹ ق، که عبدالرحمن بر قدرت تکیه زده بود، تمامی مراکز علمی و فرهنگی تشیع افغانستان محو و نابود گردید (دولت آبادی: ۱۳۷۳، ۱۱۳). محمد افضل ارزگانی در باره وقایع بعد از شکست هزاره ها در ارزگان می گوید: عبدالرحمان بعد از سال ۱۳۱۲ حکم کرد که عالم دینی، سید، زوار و کربلائی ها را به کابل ببرند، بعد از آن در تمام دهات هزارجات عالم و پیش نماز از اهل سنت معین کرد که مردم را طریقه ابوحیفه تعلیم بدهد (ارزگانی، ۱۵۴).

بعد از شکست قیام مردم هزاره، در هر منطقه مسکونی کوچک - قریه - دو نفر عسکر برای از بین بردن روحانیت شیعه، و وادار کردن شیعیان به قبول مذهب سنی مقرر شدند (تیمور خانوف: ۱۳۷۲، ۲۵۸). لعلی می گوید: بعد از سرکوب مردم هزاره توسط عبد الرحمن، نماد تشیع را در افغانستان از بین برد، او دستور داد به دستگیری، زندانی و قتل عالمان دینی، کربلائی ها و زوار هزاره. مساجد و حسینیه های شیعه - هزاره

بسته شد، به مولوی ها مأموریت دادند که در مساجد شیعه مردم را جمع و عقاید حنفی را به آنان یاد دهند. بعد از عبد الرحمن فرزند او حبیب الله خان نیز از فراگیری علم و دانش و اجرای مراسم مذهبی شیعه کما فی السابق جلوگیری کرد (لعلی: ۱۳۷۲)، (۷).

بنا بر این، دشمن که حاکم و مسلط بر منطقه شده است نهایت تلاش را می کند تا آثار و نماد، فرهنگی، تاریخی و... از تشیع و مردم هزاره در این منطقه باقی نماند و همه را نابود و از بین ببرد. ازین رو، وضع فرهنگی و از جمله تاریخ تعلیم و تربیت ارزگان و قریه های اطراف از جمله باغچار معلوم نیست که چگونه بوده است و متأسفانه در طول تاریخ نیز در این زمینه فعالیت های جدی صورت نگرفته است تا آثار فرهنگی و هنری را که احیاناً بجا مانده است جمع آوری شود و بصورت یک مجموعه مدون عرضه نماید.

پیشینه تعلیمی-فرهنگی باغچار

در مورد تاریخچه و پیشینه تعلیمی- فرهنگی باغچار، اطلاع دقیقی در دست نیست، اما از برخی سنگ نوشته ها باقی مانده در قبرستان ها و کوه ها بدست می آید که تعلیم و تربیت قبل از عبدالرحمان خان، در منطقه باغچار وجود داشته است و مردم این سرزمین با خواندن و نوشتن فی الجمله آشنا بوده اند. حجت الاسلام آقای حمیدالله قاسمی می گوید: تخته سنگی که در کنار جاده (راه) در مسیر کوتی و جواز قرار داشت، بر روی آن با خط زیبا نوشته شده بود: «الان گندم در منطقه باغچار سیر دو افغانی است» (قاسمی، ۱۴۰۱ش). این جمله قطعاً به زمان های قبل از عبدالرحمان بر می گردد زیرا دوران پسا عبدالرحمان را کسی به یاد ندارد که کندم سیر دو افغانی بوده باشد. و یا بر روی بعض سنگ های قبری در برخی قبرستان های بسیار کهن و قدیمی نوشته های وجود داشت که به سال های قبل از دوره عبدالرحمان بر می گردد مانند این سنگ قبر که در دهه ۸۰ توسط حجت الاسلام برهانی باغچاری از قبرستان منطقه شهید خدا نظر قمندان گرفته شده که بر روی آن چنین نوشته شده است «یاران چون گذرید از این گذرگاه، بخوانید الحمد و قل هو الله» این ها شواهد و قراین است که تعلیم و تربیت، علم و فرهنگ از قدیم در باغچار بوده و مردم آن سامان با علم و فرهنگ، خواندن و نوشتن آشنا بوده اند اگرچه تعداد افراد با سواد کم بوده است. این نوشتار در صدد است تا سیر نظام تعلیمی سنتی و مدرن را در باغچار، که یکی از قریه های عالم پرور ارزگان است، در دو بخش مورد بررسی قرار دهد.

یک: نظام تعلیمی سنتی و مدرن در مدرسه دینی (حوزه علمیه).

دو: نظام تعلیمی سنتی و مدرن در مکتب کلاسیک و دولتی.

نظام تعلیمی در مدرسه دینی (حوزه علمیه) باغچار

نظام غیر متمرکز سنتی

نظام غیر متمرکز تعلیمات دینی، از دیر باز در باغچار وجود داشته است. این نوع از تعلیمات سنتی که به صورت ساده، بدون تشریفات و با کم ترین هزینه و با ابزار و وسایل اولیه آموزشی برگزار می شد، پایگاه

بنیادین و اساسی برای تعلیم و تربیت و نخستین شیوه سواد آموزی در حد خواندن و نوشتن و یاد گیری احکام و معارف دینی بوده است. خانواده‌ها از هر قشر و طایفه‌ای براساس اعتقادات و باورهای دینی که از نیاکان خود به ارث برده بودند، فرزندان خود را به منظور با سواد شدن، یاد گیری قرآن کریم، خواندن و نوشتن، آگاهی از مسایل اعتقادی و احکام دینی به نزد فرد با افراد با سواد محل، می‌فرستادند تا از او خواند و نوشتن و مسایل اعتقادی و دینی خود را یاد بگیرند، این نوع آموزش، توسط افراد با سواد همچون پدر کلان، پدر، عمو و ملای محل در خانه‌ها انجام می‌گرفت. (وثوقی، ۱۳۹۷).

نحوه پذیرش نو آموزان در نظام سنتی غیر متمرکز

در این نظام غیر متمرکز، معمولاً برنامه تعلیم و تربیت در فصل زمستان صورت می‌گرفت. زیرا، در فصول دیگر سال، به دلیل شرایط منطقه و خانواده‌ها که غالباً کشاور، دامدار و افراد فقیر بودند، فرزندان خود را به دنبال گاو و گوسفند می‌فرستادند و یا در خانه‌های افراد ثروتمند به عنوان چوپان، خدمت کار و کار گر برای چوپانی و کار گری می‌فرستادند تا از نظر اقتصادی کمک کار خانواده باشند. اما در فصل زمستان که فصلی بیکاری و فراغت بود خانواده‌ها از فرصت استفاده می‌کردند فرزندان خویش را برای یاد گیری خواندن و نوشتن، مخصوصاً یادگیری قرآن کریم نزد ملا و افراد با سواد محل می‌فرستادند تا خواندن و نوشتن، احکام و قرآن خواندن را یاد بگیرند.

هر خانواده‌ای که فرزند خویش را نزد ملای محل می‌فرستاد ابتدا یک پتیر محلی روغنی را آماده می‌کرد به همراه کتاب که قرار بود یاد بگیرد (سی‌فاره، پنج کتاب، حافظ و یا قرآن کریم) در دستمالی مخصوصی می‌گذاشت، پدر خانواده به همراه فرزندش نزد ملای محل می‌رفت و از او درخواست می‌کرد که به فرزندش این کتاب را درس بدهد. ملای محل با خوشرویی استقبال کرده پتیر را روی کتاب که قرار بود درس بدهد می‌شکست و آن را برای افراد حاضر و اعضای خانواده تقسیم می‌کرد و بعد از دعای خیر در حق شاکرد جدید خود آموزش او را عملاً به عهده می‌گرفت و تدریس کتاب را آغاز می‌کرد. استاد در روز اول به‌عنوان پذیرش نو آموز و شروع عملی درس، چند سطر از کتاب که قرار بود آموزش بدهد می‌خواند و شاگرد جدید و نوآموز او نیز کلمات درس استاد را تکرار می‌کرد بدون اینکه چیزی از معنا و مفهوم آن درس را بفهمد (محسنی، ۱۴۰۱، با تلخیص و تصرف در عبارت)

با پایان یافتن زمستان، نه تنها فرصت یاد گیری برای فرزندان در خانواده‌ها پایان می‌یافت، بلکه در طول سال تا زمستان دیگر فرصت مطالعه و مرور درس‌های خوانده شده را نیز نداشتند و گاهی این امر باعث می‌شد که آنچه را خوانده بودند تا زمستان دیگر فراموش کنند و با فرارسیدن زمستان همان کتاب سال قبلی را دو باره بخوانند.

مراحل نظام تعلیمی غیر متمرکز در باغچار

چنانچه در پیشینه بیان شد، اگرچه براساس شواهد که ذکر شد تعلیم و تربیت از قدیم در باغچار جریان داشته، ولی چگونگی وضعیت نظام تعلیمی قبل از دوره عبدالرحمان روشن نیست که چگونه بوده است. اما نظام تعلیمی باغچار را در دوره بعد از عبدالرحمان می‌توان به دو دوره غیرمتمرکز و متمرکز تقسیم کرد. پس از تحولات و جنایات عبدالرحمان خان در ارزگان، تعلیم و تربیت در ارزگان از جمله باغچار، وضع مناسب نداشت. افراد با سواد در حد خواندن و نوشتن به تعداد انگشت شمار وجود داشتند و همین‌ها مسئله امور شرعی از جمله کفن و دفن اموات را به عهده داشتند. بعد از مدت زمانی افراد جویایی تعلیم و تربیت، علم و دانش به مناطق دور دست به دنبال کسب علم و دانش رفتند. در آن زمان مدرسه علمیة عبدالعلی کربلایی در مالستانی، که از تحصیل کردهای نجف و نماینده سید ابوالحسن اصفهانی بوده و شهرت یافته بود. تشنگان علم و دانش از مناطق دور و نزدیک به به قصد آن‌جا بار سفر می‌بستند تا از حوزه دینی عبدالعلی کربلایی مالستان بهره ببرند. در این میان از باغچار نیز افراد دوستار و طالب علم و دانش به آن دیار و همچنین جاغوری و شیرداغ مهاجرت کردند تا از خرمن علمی آن سامان خوشه چینند. این خوشه چینان علم و دانش در سه مرحله به حوزه درسی مرحوم عبدالعلی کربلایی مهاجرت کردند:

مرحله اول

در این مرحله سید رجب آقا که بعداً معروف شد به «سید ملا» به مالستان مهاجرت نمود و بعد از چندسال تحصیل در مدرسه علمیة عبدالعلی کربلایی، به زادگاهش باغچار بر می‌گردد. با آمدن سید رجب در باغچار برخی از خانواده‌ها فرزندان خود را برای یادگیری خواندن و نوشتن، روزانه در خانه سید می‌فرستادند که از جمله شاگردان مرحوم سید رجب «ملا محمد جمعه» «ملا حسین» و «ملا محمد آخوند معروف» به آخوند قاضی» بودند این افراد مدت کوتاه از محضر سید رجب کسب علم می‌کنند و بعد از مدت برنامه درسی سید رجب تعطیل می‌شود شاگردان سید و برخی دیگر از جویندگان علم و دانش در صدد رفتن به مناطق دیگر از جمله مالستان بر می‌آیند و عازم آن دیار می‌شوند.

مرحله دوم

با تعطیل شدن برنامه درسی سید ملا سید رجب، برخی از شاگردان او مانند: «ملا حسین» و «ملا محمد حسین آخوند قاضی» عازم جاغوری شده و مدت چند سال از محضر مرحوم مدرس افغانی بهره مند می‌شوند. مرحوم ملا حسین و ملا محمد حسین بعد از مدت از جاغوری برای ادامه تحصیل به همراه ملا اسحاق عازم مالستان می‌شوند تا از حوزه علمیة مالستان و از محضر عبدالعلی کربلایی بهره مند شوند. این افراد بعد از چند سال تحصیل در مالستان سرانجام به زادگاه خود باغچار باز می‌گردند تا از اندوخته‌های علمی خود بهره گیرند و زکات آن را به مردم خود بپردازند. با آمدن این افراد در باغچار، تعلیم و تربیت در باغچار رونق می‌گیرد. در این میان مرحوم «ملا محمد حسین آخوند» که بعداً معروف شد به آخوند قاضی، فعالیت های فرهنگی اجتماعی خود را آغاز می‌کند او که بواسطه آخوند مالستان (عبدالعلی کربلایی)

وکالت از طرف مرجع دینی آن زمان مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی داشته است جایگاه اجتماعی و مقبولیت مردمی پیدا می‌کند.

مرحوم آخوند قاضی به‌عنوان عالم دینی، نماینده و وکیل مرجعیت شیعه آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، به امورات اجماعی مردم همچون، اجرای عقد، دریافت وجوهات شرعی، انجام امورات کفن و دفن اموات، رسیدگی به دعاوی و مناقشات مردمی را به عهده داشته است. او، در کنار فعالیت‌های اجتماعی به تعلیم و تربیت افراد نیز پرداخته است که افراد همچون: سید قنبر فرزند سید مرحسین، شیخ عبدالحکیم فرزند ابراهیم، ملا عبدالله فرزند خداداد، ملا اختر فرزند خدا رحم (معروف به شکرک بیو)، ملا سرور اسفندیار فرزند حاجی پاینده، ملا سلمان شیرداغ و عده‌ای دیگر، این‌ها افراد بودند که روزانه (معمولاً زمستان) در خانه مرحوم ملا محمد حسین آخوند (آخوند قاضی) می‌رفتند و از دانش او بهره می‌بردند. این حوزه درسی بعد از چند سال به دلیل مشکلات خانوادگی (فوت همسر آخوند قاضی) مراجعان زیاد مردمی و فشار کارهای اجتماعی آن‌ها تعطیل می‌شود.

اگر چه این حوزه درسی بعد از چند سال تعطیل می‌شود، ولی آثار و برکات آن در میان مردم و جامعه پیدا است و از جمله آثار این حوزه درسی شاگردان آخوند قاضی هستند که در مناطق متعدد باغچار وجود دارند که در محرم‌ها، هیئت‌های مذهبی را اداره می‌کردند و در قرآن خوانی‌ها، مردم از آنها بهره مند می‌شدند (محسنی، ۱۴۰۱ ش).

مواد درسی در نظام غیر متمرکز

مواد آموزشی تعلیمات ابتدایی قبل از ورود به دروس دینی (حوزه)، در این مرحله مواد رایج درسی در میان مردم عبارت بودند از «سی پاره یا سی فاره»، «پنج کتاب»، «حافظ»، «نصاب صبیان» و... اولین کتاب که دانش آموزی ابتدایی برای سواد آموزی (یاد گیری خواندن و نوشتن) می‌خواند، کتاب سی فاره یا سی پاره بوده است. این کتاب ابتدا با حروف الفبا با شکل و ترکیب خاصی شروع می‌شد و در ادامه تعداد چند سوره از قرآن کریم وجود داشت که دانش آموز تازه وارد باید آن‌ها را نیز می‌خواند. بعد از اتمام کتاب «سی پاره»، دانش آموز باید کتاب «پنج کتاب» را می‌خواند این کتاب مشتمل بر اشعار جالب راجع به مسایل فقهی، دینی و اعتقادی بود. با فارغ شدن از «پنج کتاب» نوبت به دیوان حافظ و یا نصاب صبیان می‌رسید. کتاب صبیان لغت های عربی را به صورت موزون به فارسی معنی کرده است. در این مرحله گاهی دانش آموز بعد از اتمام حافظ و یا همزمان با آن کتاب‌های ابتدایی ادبیات عرب همچون صرف آوا، صرف میر و یا صرف بهایی را نیز می‌خواند و بعد از اتمام آن وارد مدرسه دینی می‌شد (محسنی، ۱۴۰۱). نگارنده خود این مرحله را زمستان‌ها نزد مرحوم پدرم گذراندم و بعد از خواندن کتاب‌های سی پاره، پنج کتاب، حافظ، صرف آوا و مقدار از صرف میر وارد مدرسه علیمه استاد افضل باغچاری شدم.

نظام تعلیمی متمرکز (پایه گذاری مدرسه دینی (حوزه علمیه) در باغچار)

مرحله سوم (نظام تعلیمی متمرکز سنتی)

این مرحله که همزمان با بازگشت مرحوم ملا نظر آخوند از مالستان به باغچار آغاز می‌شود، نقطه‌ی عطفی در تاریخ تعلیمات دینی سنتی در باغچار است. تا قبل از ده ۱۳۳۰ش، و شکل‌گیری حوزه‌ی درسی مرحوم ملا نظر آخوند نظام تعلیمات دینی در باغچار یک نظام سنتی غیر متمرکز بوده که خانواده‌ها فرزندان خود را به منظور یادگیری سواد خواندن و نوشتن در زمستان‌ها نزد افراد با سواد محل از جمله مرحوم سید رجب و مرحوم ملا محمد حسین آخوند (آخوند قاضی) می‌فرستادند تا خواندن و نوشتن، قرآن و برخی مسایل دینی خود را بیاموزند. اما با تأسیس مدرسه علمیه مرحوم آخوند، نظام تعلیمات دینی در باغچار وارد مرحله‌ای جدید گردید که به آن اشاره می‌شود.

نحوه شکل‌گیری حوزه‌ی درسی و مدرسه علمیه ملا نظر آخوند

مرحوم ملا نظر آخوند در سال ۳۱ یا ۳۲ش، بعد از تحصیل در مالستان به باغچار باز می‌گردد، آخوند بعد از ازدواج تصمیم می‌گیرد که برای ادامه تحصیل با خانواده خود به مالستان بازگردد. خبر بازگشت آخوند به مالستان به گوش مردم منطقه می‌رسد، در محرم همان سال که مردم در غزاداری سیدالشهدا جمع شده بودند در شب سوم محرم بعد از متفرق شدن غزاداران، عده‌ای از محاسن سفیدان منطقه از جمله مرحوم ارباب علی رحم (ارباب مردم)، خدارحم زاهد، حاجی غلام علی، خدارحم شانه واز بوکسه، ملا حسین، ملا محمد حسین (آخوند و ملای عمومی مردم)، حاجی سید عبدل، عبدالکربلایی، خدارحم (شکرک بیو) و ملا نظر آخوند در جلسه می‌مانند. در این جلسه، مرحوم «ارباب علی رحم» رو به حضار در جلسه می‌کند و می‌گوید: «او برادرا»، «او قوما»، «او لاله گو»، همه تان در جریان هستید که آخوند صاحب کلان (ملا محمد حسین آخوند) و آخوند موی سفید از یک طرفی گرفتار کارهای مردمی است و از طرف دیگر مسن است، دیگه فرصتی برای درس دادن طالب (طلاب) را ندارد. ما و شما در آینده نیاز به آخوند داریم، نیاز به طالب و با سواد داریم. از طرف دیگر شنیدیم که آخوند صاحب خرد (ملا نظر آخوند) گفته که می‌خواهد دو باره به مالستان بر گردد و درس بخواند. به هر حال چه مالستان برود و چه جای دیگر، او برای ملایی می‌رود. آن وقت از دست ما بیرون می‌شود، دیگر مردم از او استفاده نمی‌توانند. چرا ما خود مان از ملا و آخوند خود که رفته و زحمت کشیده و درس خوانده استفاده نکنیم که دیگران استفاده کنند؟»

وقت صحبت‌های ارباب علی رحم تمام می‌شود یکی از حضار مجلس از او سؤال می‌کند و می‌گوید: «او ارباب صاحب تو بگو ما چکار کنیم؟ مردم که یک آخوند بیشتر نیاز ندارد، آن هم که آخوند کلان که هست!»

ارباب در جواب می‌گوید: «برادرا، مردم در یک منطقه دو «ملا» نیاز ندارند و به اندازه کافی آخوند موی سفید به کارهای مردمی رسیدگی می‌کند، ولی مسئله این است که ما ملایی نیاز داریم که طالب داشته باشد و درس بدهد. برادرا، من یک پیشنهاد دارم و می‌گویم: آخوند کلان و موی سفید، ملای عمومی مردم باشد و به کارهای مردمی رسیدگی کند، و آخوند کوچک (ملا نظر آخوند) ملای مدرس باشد، طالب جمع کند

و درس بدهد. و بعد مرحوم ارباب در باره تأمین هزینه زندگی آخوند مدرس پیشنهاد می‌کند و می‌گوید: «برای تأمین زندگی آخوند مدرس پیشنهاد من این است که: هر طالب در سال ده سیر کنم به آخوند مدرس بدهد تا هزینه‌ای زندگی آخوند مدرس تأمین شود». بعد از بیان پیشنهادات ارباب علی رحم، همه اهل مجلس پیشنهادات او را تأیید می‌کنند جلسه خاتمه می‌یابد و افراد حاضر در جلسه متفرق می‌شود. شب بعد که شب چهارم محرم است، بعد از مراسم روضه خوانی و قبل از این که مردم متفرق شوند مرحوم ارباب به مردم اعلان می‌کند که کسی نرود ما با مردم حرف داریم. وقت مسئله مدرسی ملا نظر آخوند مطرح می‌شود، همه افراد حاضر در جلسه استقبال می‌کنند و تعداد ۱۵ نفر همان جا اعلان می‌کنند که بچه‌هایش را برای درس خواندن خدمت آخوند بفرستند و خانه ده سیر گندم هم بدهند. در روزهای بعد این تصمیم به گوش همه مردم باغچار می‌رسد و همه قریه‌های باغچار از جمله قریه اسفندیار، کوچی و قریه سید رجب آغا استقبال و اعلان آمادگی می‌کنند و بدین صورت هسته مرکزی حوزه درسی و مدرسه علمیه مرحوم آخوند (ملا نظر آخوند) شکل می‌گیرد (محسنی، ۱۴۰۱ ش).

بنیانگذاری و تأسیس حوزه علمیه در باغچار

با اعلان آمادگی و درخواست مردم باغچار از حوزه درسی مرحوم آخوند، فعالیت‌های تعلیمی در باغچار سیر جدید را آغاز و رونق بهتری پیدا می‌کند. مرحوم آخوند فعالیت‌های علمی و درسی خود را از خانه محقر خود در قریه بوکسه آغار می‌کند و خود در زندگی نامه خویش می‌گوید: «بعد از گذراندن یک دوره هشت ساله‌ای طلبگی در شیرداغ و مالستان حدود سال‌های ۳۱ یا ۳۲ شمسی به زادگاهم باغچار برگشتم. حضورم در بین مردم خوب باغچار با اقبال عمومی، مواجه شد و فعالیت‌های دینی، فرهنگی و آموزشی منطقه به عهده اینجانب واگذار شد» (آخوند، ۱۳۹۸). ابتداء مرحوم آخوند، تدریس و آموزش علوم دینی را در منزل خود آغار می‌کند و خانه محقر و ساده خود را محصیل علوم دینی قرار می‌دهد، ایشان می‌گوید: «در ابتدای امر کار آموزش و پرورش طلاب در منزل شخصی خودم انجام می‌گرفت. طلاب و محصلین با خواندن و نوشتن، ادبیات عرب مانند صرف، نحو، قرائت قرآن، و احکام شرعی که نیاز مبرم آن زمان بود آشنا می‌شدند. متون آموزشی که درس می‌گفتم: صرف و نحو، صمدیه، سیوطی در ادبیات عرب و عروۃ الوثقی در فقه بود» (آخوند، ۱۳۹۸).

شاگردان مدرسه مرحوم آخوند

مرحوم آخوند در این حوزه محقر و ساده، در چند مرحله شاگردان را تربیت کردند که برخی عازم نجف و برخی دیگر در قم و مشهد ادامه تحصیل دادند و برخی هم در منطقه ماندن که به اسامی برخی از آنها اشاره می‌شود:

دوره اول

این مرحله که اولین دوره از حوزه درسی مرحوم آخوند است افراد همچون: سیدقنبر، ملا عبدالله، ملا اختر، شیخ عبدالحکیم و عده‌ای دیگر، از محضر آخوند استفاده کردند. برخی از این افراد مانند: سیدقنبر، ملا

اختر و... از شاگردان مرحوم ملا محمد حسین آخوند (آخوند قاضی) بودند که قبلاً نزد ایشان درس خوانده بودند (محسنی، ۱۴۰۱).

دوره دوم

با شهرت یافتن حوزه درسی آخوند و اطلاع یافتن مردمان اطراف، خانواده ها فرزندان شان را برای امر تحصیل نزد آخوند می فرستادند و شاگردان زیادی برای تحصیل علوم دینی از مناطق دور و نزدیک به خانه ایشان مراجعه می کنند، با استقبال زیاد مردم و کثرت طلاب، و پاسخ گو نبودن منزل مرحوم آخوند برای تدریس، ناگزیر می شود که با کمک مؤمنین منطقه، مکان دیگری را برای تحصیل طلاب در کنار منزل خود بنا نهند. مرحوم آخوند در باره تأسیس این مدرسه می گوید: «در سالهای ۴۲ و ۴۳ منزل مسکونی ام را تغییر داده و منزل جدیدی که اندکی از نظر موقعیت بیرونی و وسعت درونی بهتر بود با هزینه شخصی ام ساخته و به کار آموزش و پرورش طلاب کما فی السابق ادامه دادم. در همین سنوات، با همیاری خیرین منطقه و برخی از طلاب مانند شهید محمد مظفری اولین مدرسه علمی باغچار را که در واقع نخستین مدرسه علمی در سطح ولسوالی ارزگان هم بود در مقیاس و متناسب با شرایط آن زمان تأسیس نمودیم. این مدرسه مرکب از یک سالن و یک آشپزخانه و جای نسبتاً مناسبی برای سکونت طلاب و محصلین دینی بود که از جاهای دور می آمدند. بعدها در دهه شصت همین مدرسه توسط فرزندم آقای افضل و خیرین منطقه توسعه یافته و تبدیل به مدرسه بزرگ و جدیدی باغچار گردید که تعدادی از طلاب و محصلین جوان امروز، محصول این مدرسه جدید است» (آخوند، ۱۳۹۸).

از این رو، اولین مدرسه دینی (حوزه علیمه) در سطح ولسوالی ارزگان، در باغچار در سال های ۱۳۴۲ یا ۱۳۴۳ که توسط مرحوم ملا نظر آخوند، در منطقه ای بوکسه در کنار منزل و خانه او تأسیس می گردد. با تأسیس این مدرسه، طلاب زیادی از باغچار و مناطق دیگر مانند «ورکه»، «هوتی»، «شیره»، «لیرزاب» و... به منظور فراگیری علوم دینی به آن جا مراجعه می کنند و حوزه علیمه باغچار رونق می گیرد و سالیان زیاد مرکز و مرجع پرورش طلاب علوم دینی، پاسخ گویی به مراجعات دینی و اعتقادی مردم قرار می گیرد. شخصیت های بزرگ فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را پرورش می دهد که امروزه هر کدام از چهره های مطرح علمی و اجتماعی منطقه هستند. ساختمان این مدرسه تا سال ۱۳۶۹ که مردم در منطقه ساکن بودند پا برجا و معروف به مدرسه بود. در سال ۱۳۶۹ بر اثر جنگ داخلی، مردم باغچار آواره گردید، خانه های مردم و از جمله این مکان (مدرسه آخوند) در اثر برف و باران تخریب گردید.

برخی از شاگردان این دوره مدرسه مرحوم آخوند که از مناطق دیگر و خارج از باغچار در این حوزه درسی شرکت می کردند عبارت بودند از: شهید سید محمد مظفری، ملا یعقوب منتطری، ملا غلام نبی (ورکه)، آغا محمد فیاض (هوتی)، عبدالعظیم عظیمی (هوتی)، و عده دیگر. برخی از شاگردان این دوره مانند: فیاض و مظفری بعد از تحصیل در باغچار برای ادامه تحصیل عازم نجف شدند.

دوره سوم

در این دوره، با شهرت یافتن مرحوم آخوند و تثبیت موقعیت درسی او، افراد بیشتری از داخل و خارج باغچار وارد مدرسه باغچار شدند و از حوزه درسی مرحوم آخوند بهره‌مند شدند. برخی از افراد که در این دوره مشغول تحصیل بودند عبارت اند از: غلام رسول محسنی، عبدالله مهدوی، محسن احسانی، نعمت الله فرقانی (هوتی)، عبدالصمد دانش (هوتی)، حمیدالله (هوتی)، ملا فیروز کوچی (فرزند ملا یعقوب)، حاجی محمد کریمی، شهید ملا غلام حسن ... این‌ها و عده دیگر افراد بودند که در این دوره در مدرسه علمیه مرحوم آخوند حضور داشتند و از دانش او بهره‌مند شدند (محسنی، ۱۴۰۱).

مواد درسی مدرسه مرحوم آخوند باغچار

با ورود طلاب به مدرسه (حوزه علمیه)، آموزش و یادگیری متون حوزوی آغاز می‌شد، در این مرحله طلاب معمولاً با خواندن کتاب‌های صرف آوا، صرف میر، زنجانی، مراح، هدایه، صمدیه، سیوطی و... با ادبیات عرب آشنا می‌شدند. حاشیه ملا عبدالله از دیگر متون درسی مدارس دینی در این مرحله بوده است. با آشنا شدن طلاب با ادبیات عرب، آموزش فقه و اصول نیز آغاز می‌شد، از جمله متون درسی رایج در فقه و اصول، کتاب معالم الدین در اصول و شرایع الاسلام در فقه بوده است (محسنی، ۱۴۰۱).

مرحوم آخوند در باره مواد درسی که در این مدرسه تدریس کرده است می‌گوید: «کتاب‌ها و دروسی را که در این دوره شخصاً به تدریس آن‌ها اشتغال داشتم، در ادبیات عربی، شرح ملا جامی، سیوطی، در منطق، حاشیه و در فقه و اصول معالم الدین، منهاج الصالحین، تحریر الوسيله امام خمینی، شرایع الاسلام محقق حلی، و کتاب لمعه شهید ثانی بودند (آخوند، ۱۳۹۸).

برخی از شاگردان حوزه درسی مرحوم آخوند

از طلاب و محصلین این دوره می‌توانم به دوستان و فرهیختگانی مانند حجج اسلام شهید سید محمد مظفری، شهید سید احمد مرتضوی، شیخ یعقوب علی منتظری، شیخ محمد فیاض (از هوتی)، ملا غلام نبی، شیخ نعمت الله فرقانی (از هوتی)، شیخ عبدالصمد دانش (از هوتی)، حاج غلام رسول شریفی، شیخ صفدر امینی، شیخ بستان علی برهانی، ملا خداداد، ملا محسن، شیخ عبدالله مهدوی، محسن احسانی، دکتر محمد امین احمدی و... تعدادی از بزرگواران دیگر بوده‌اند (آخوند، ۱۳۹۸).

روش تدریس / آموزش در نظام دینی سنتی

در نظام آموزشی سنتی دو روش آموزش رایج بوده است :

الف. روش حفظی. این روش که معمولاً توسط ملاهای محلی و در تعلیمات ابتدایی مانند سی‌پاره، پنج کتاب و... بکار گرفته می‌شد، ابتدا ملا و استاد عبارت کتاب را از رو، چند مرتبه می‌خواند و شاگرد نیز آن را تکرار می‌کرد. شاگرد این درس را بدون آن که معنا و مفهوم کلمات و جملات را بفهمد، این قدر تکرار می‌کرد تا عبارات را حفظ می‌کرد و فردای آن روز، وقت برای درس جدید نزد استاد می‌آمد، درس روز قبل را بصورت حفظی تحویل استاد می‌داد و مورد تشویق و تحسین استاد قرار می‌گرفت.

ب. **روش تشریحی.** این روش که در آموزش دروس دینی (ادبیات عرب، منطق، فقه و اصول) در مدارس دینی (حوزه علمیه) از جمله در مدرسه مرحوم آخوند باغچار، رایج بود و اعمال می شد، طلاب بصورت حلقه وار در اطراف استاد می نشستند، ابتدا استاد عبارت کتاب را می خواند، سپس مطالب درس را توضیح می داد و آنگاه مطالب توضیح داده شده را با عبارت کتاب تطبیق می داد. (محسنی، ۱۴۰۱).

روش مباحثه (سرخوانی)

در مدارس دینی سنتی، یک روش مباحثه در میان طلاب متداول و معمول بود و آن این که بعد از هر درسی، در طول روز و یا شب معمولاً یک و یا دو نفر از طلاب که استعداد و هوش شان از دیگران بهتر بود، درس را برای دیگران می خواند و توضیح می داد که به آن سر خوانی می گفتند. در سرخوانی، سرخوان (طلبه که درس را برای دیگران می خواند) نقش استاد را بازی می کرد به همان روش که استاد درس را بیان کرده بود، او نیز او عبارت کتاب را با دقت می خواند، مطالب درس را از خارج توضیح می داد و سپس عبارت را با مطالب توضیح داده شده تطبیق می کرد. مباحثه و یا همان سرخوانی، گاهی در طول روز و یا شب به تقاضای برخی از طلاب ضعیف تکرار می شد.

مخارج استاد

در نظام سنتی غیرمتمرکز، اجرت و حق الزحمه به استاد پرداخت نمی شد، بلکه در فصل زمستان، ملا و یا افراد با سواد در هر محله به فرزندان آن محل که برای یادگیری قرآن، سی پاره، پنج کتاب و... نزد او مراجعه می کردند، بصورت رایگان و مجانی به آنان تدریس و آموزش می داد. اما در نظام متمرکز، در ابتدایی تأسیس حوزه درسی مرحوم آخوند قرار بر این بود که هر طالب که نزد آخوند درس می خواند سالانه ده سیر گندم به عنوان حق التدریس به او (آخوند) بدهد، این کار در ابتدا به مدت چند سال ادامه داشت، ولی در سالهای اخیر این کمک سالانه که به مرحوم آخوند می داد قطع شد و مرحوم آخوند از طریق کار روی زمین و محصولات کشاورزی که به دست می آورد امرار معاش می کرد (محسنی، ۱۴۰۱).

اسکان طلاب مدرسه آخوند باغچار

طلاب که در مدرسه مرحوم آخوند مشغول تحصیل بودن، دو دسته بودند. یک دسته طلاب که از مناطق خارج از باغچار می آمدند مانند: «ورکه»، «شیره»، «هوتی»، «لیرزاب» و... این افراد در منزل خود آخوند و خانواده های اطراف مدرسه ساکن می شدند و با آنان زندگی می کردند. دسته دیگر، افراد که از خود باغچار بودند اما از مناطق دور تر می آمدند. این افراد معمولاً در تابستان ها، روزانه به مدرسه می آمدند و شب بر می گشتند. اما در زمستان بخاطر سرما و برف زیاد، امکان رفت و آمد برای آنان میسر نبود، آن ها نیز در خانه های اطراف مدرسه ساکن می شدند و با آنان زندگی می کردند (احسانی، محسنی، ۱۴۰۱).

مخارج طلاب

یک بخشی از مخارج طلاب، مانند مواد غذایی و پوشاک بر عهده خانواده‌های طلاب بودند. طلاب که از مناطق دور می‌آمدند مقدار آرد، روغن، قدید (گوشت خشک شده) با خود می‌آوردند و به یکی از خانه‌های اطراف تحویل می‌دادند و خود نیز با آنان زندگی می‌کردند. خانواده‌ها نیز مقدار آرد، روغن و قدید طلبه را به همراه مواد غذایی خود می‌پخت و در کنار هم با صفا و صمیمیت به مصرف می‌رساندند (احسانی، ۱۴۰۱).

مواد سوختی و روشنایی مدرسه

سوخت مدرسه که که طلاب از آن برای پختن غذا و در زمستان‌ها برای گرم کردن اطاق‌ها (حجره‌ها) استفاده می‌کردند، چوب و هیزم بود که توسط خانواده‌های طلاب ساکن در مدرسه و مردم منطقه تهیه و در اختیار طلاب قرار می‌گرفت. اما مواد روشنایی که طلاب از آن در شب‌ها استفاده می‌کردند نفت (طیل) بود که خود طلاب از خانه‌های خود می‌آوردند و در مدرسه استفاده می‌کردند (محسنی، ۱۴۰۱).

نقش نظام سنتی در پی‌ریزی شخصیت افراد

اگر چه نظام سنتی مشکلات و نواقص در محتوا و متون آموزشی و روش دارد، که بیان آن از حیطه و حوصله این نوشتار خارج است، اما این نظام نقش بی‌بدیلی در پی‌ریزی شخصیت دینی، حفظ و تحکیم باورهای اعتقادی افراد داشته است. همین نظام سنتی و مکتب‌خانه‌ای مهد پرورش عالمان برجسته، مسئولیت‌پذیر، متدین و خدمتگذار مانند: علامه محمد افضل ارزگانی، شیخ رمضانعلی فقهی باغچاری، ملا نظر آخوند باغچاری، سید ملا رجب باغچاری، محقق سیرو، شیخ محمد علی تقدسی، کربلایی محمد هاشم (آخوند کربلایی) و .. بوده است. عالمان که هر کدام چراغ هدایت و منشأ خیرات و برکات برای شیعیان مظلوم ارزگان بوده اند. زیر بنای علم و معرفت، شکل‌گیری اعتقادات و باورهای دینی افراد، در همین نظام سنتی (خانه، مکتب‌خانه، مسجد و..) شکل می‌گیرد. الفبای خواندن و نوشتن، از آن جا آغاز می‌شود، شخصیت دینی و اعتقادی افراد پرورش می‌یابد. همین نظام سنتی سر آغاز گرایش به آموزش و تحصیلات دینی بوده است و در حفظ و گسترش فرهنگ دینی توده مردم و فرزندان آنان نقش بسیار مهمی را ایفا کرده است. در این جا به برخی از ویژگی‌های این نظام کهن اشاره می‌شود:

- این نظام سنتی اگرچه ساده است ولی از محتوای غنی تری دینی برخوردار بود
- آموزش قرآن: روان خوانی و روخوانی قرآن را خوب فرا می‌گرفت
- آموزش عقاید: بنیان اعتقادی و دینی شاگردان محکم تر و در برابر شبهات مقاوم تر و آمدگی پاسخگویی به آن را پیدا می‌کردند.
- آموزش احکام: در نظام سنتی، هر کسی مسایل شرعی و مبتلا به خود و جامعه را خوب فرا می‌گرفت که این امر در نظام مدرن کم رنگ است
- آموزش ادبیات عرب: شاگردان ادبیات عرب را بهتر و عمیق تر آموزش می‌دید و یاد می‌گرفت

- در دسترس بودن استاد: در طول روز شاگردان با استاد و معلم در ارتباط بودند، هر زمان که سؤال می داشتند راحت از استاد می پرسیدند و از رهنمایی او بهره مند می شدند.

- تأثیر رفتار و منش استاد بر شاگرد: امروزه یکی از مهم ترین روش های تربیتی، روش الگو دهی و الگو گیری است. این روش، یک روش ساده، کم هزینه و بسیار مؤثر است. از آن جا که در نظام سنتی در طول روز شاگردان با استاد در ارتباط بودند، اعمال و رفتار او را مشاهده می کردند، رفتار و سلوک اخلاقی استاد با مراجعین بهترین الگو برای تربیت اخلاقی و اجتماعی شاگردان بودند. این ها برخی از ویژگی های نظام سنتی مکاتب دینی (حوزه) هست که به آن اشاره شد. اگرچه این نظام سنتی آثار و فواید، ویژگی های فراوان دارد، اما نقاط ضعف آن نیز نباید چشم پوشی نمود که از مهم ترین نقاط ضعف این نظام می توان به محتوا و روش آموزش اشاره نمود که بیان آن از حوصله این نوشتار خارج است.

تغییر نظام سنتی مدارس دینی به نظام متمرکز و جدید

با افزایش نیازهای علمی و اجتماعی جامعه، عده از طلاب علوم دینی در مدارس سنتی و مکتب خانه ها، به منظور تحصیل در سطوح بالا تر عازم حوزه های علمیه نجف، قم و مشهد می شوند و با کسب درجات عالی و برگشت به منطقه، نظام تعلیمات دینی در باغچار، رونق بیشتری می یابد. حوزه علمیه باغچار با بنای ساختمان جدید تعلیمی نظم بهتری پیدا می کند. اساتید تازه نفس با اندوخته های از علم و دانش و با روش تدریس بهتر و منابع جدید تر، مشغول تعلیم و تربیت طلاب می گردد. در این مقطع، وضعیت تحصیلی بهبود می یابد و طلاب از نظر جاه و مکان از امکانات بهتری برخوردار می شوند.

حوزه علمیه حجت الاسلام افضلی باغچاری

حجت الاسلام افضلی بعد از تحصیل در حوزه علمیه قم و بازگشت به زادگاهش باغچار، با توجه به درخواست مردم و طلاب منطقه که تا کنون در حوزه علمیه ارزگان مشغول تحصیل بودند، ایشان ابتدا حوزه درسی خود را در مسجد و حسینه (منبر) در منطقه دوسره باغچارآغار می کند که علاوه بر حجت الاسلام افضلی مرحوم آخوند باغچار و مرحوم فقیهی نیز مدتی در آن جا مشغول تدریس می شوند.

در سال ۱۳۶۷ و ۶۸ یک مدرسه با ساختمان جدید توسط حجت الاسلام افضلی و با کمک خیرین منطقه تأسیس می گردد. این مدرسه مبارکه که سابقه درسی آن به مدرسه مرحوم آخوند باغچار بر می گردد، در منطقه قول (بین بوکسه و قصید) ساخته می شود. زمین مدرسه توسط خیر منطقه حاج محمد اسحاق، معروف به «اسحاق بیو» اهدا می گردد. این مدرسه در یک طبقه ساخته و دارای یک سالن و شش اتاق بوده است.

تعداد طلاب مدرسه حجت الاسلام افضلی باغچاری

تعداد طلاب در این مدرسه در طول سال متفاوت بوده است. با توجه به شرایط منطقه و از آن جا که مردم منطقه بشیر دام دار و کشاورز بوده اند، معمولاً زمستان ها فرزندان شان را برای تحصیل به مدرسه و مکتب

می فرستادند، از این رو، تعداد طلاب مدرسه در زمستان بیشتر از سایر فصول بوده است. اما تعداد طلاب ساکن در مدرسه که خود نگازنده نیز از آنان بوده است بین ۱۶ تا ۲۰ نفر می رسید.

اسکان و مخارج طلاب مدرسه

طلاب در این مدرسه بر خلاف مدرسه مرحوم آخوند، از امکانات و رفاه بیشتری برخوردار بودند. در مدرسه حجت الاسلام افضل‌ی طلاب در مدرسه در اطاق (حجره) های مدرسه ساکن بودند. نان آنها در خانه های اطراف مدرسه پخته می شد، مخارج دیگر از قبیل روغن، چای، نمک، گوشت و.. را خود از خانه های شان می آوردند و طلاب هر اطاق (حجره) با تقسیم و ظایف برای خود غذا درست می کردند.

مواد سوختی و روشنایی مدرسه

سوخت مدرسه که که طلاب از آن برای پختن غذا و در زمستان ها برای گرم کردن اطاق ها استفاده می کردند، چوب و هیزم بود که توسط خانواده های طلاب ساکن در مدرسه و مردم منطقه تهیه و در اختیار طلاب قرار می گرفت. اما مواد روشنایی که طلاب از آن در شب ها استفاده می کردند نفت (طیل) بود که هزینه آن توسط مدرسه (از طریق وجوهات) پرداخت می شد.

سطح و مواد درسی

در این مدرسه ادبیات عرب، منطق، اصول فقه تا شرح لمعه تدریس می شده است که به آن ها در ذیل اشاره می شود:

ادبیات عرب

۱. شرح امثله
۲. صرف میر
۳. تصریف
۴. عوامل ملا محسن
۵. هدایه
۶. صمدیه
۷. سیوطی

منطق: حاشیه ملا عبدالله

اصول:

۱. معالم الدین
۲. .. اصول فقه مرحوم مظفر

فقه:

۱. شرح لمعه شهید ثانی
۲. عروه الوثقی مرحوم سید یزدی

روش تدریس و مباحثه

با توجه به تعداد طلاب و کثرت دروس، معمولاً استاد اصلی به تدریس همه متون درسی نمی‌رسید و از این رو، سطوح بالا تر را تدریس می‌کرد و سطوح پائین تر مانند: صرف و نحو مقدماتی را به طلاب مستعد واگذار می‌نمود تا آنان تدریس کنند. این کار از جهات مفید بود، هم از توانایی طلاب مستعد استفاده می‌شد و آنان را برای تدریس تربیت می‌کرد و هم تشویق برای بقیه طلاب بود که تلاش کنند و توانایی‌های خود را به مرحله فعلیت برسانند تا به مرحله استادی برسند. روش تدریس و مباحثه در این دوره همان روش تدریس و مباحثه نظام تعلیمی سنتی دوره مرحوم آخوند بوده است.

این مدرسه منشأ خدمات فراوان و مرکز رجوع تشنگان علم و معرفت بود که از سراسر باغچار و اطراف برای تحصیل علم و دانش به آن مراجعه می‌کردند و تا سال ۱۳۶۹ ادامه داشت که در این سال متأسفانه بخاطر جنگ داخلی و آواره شدن مردم باغچار مدرسه مزکور تحصیل و سرانجام تخریب گردید.

شاگردان مدرسه حجت الاسلام افضل

افراد که در مدرسه حجت الاسلام افضل در باغچار مشغول تحصیل بودند دو دسته هستند:

یک دسته، کسانی که بعد از مدت تحصیل و آواره شدن از باغچار ترک تحصیل کردند.

دسته دوم، کسانی هستند که همچنان به تحصیل خود ادامه داده اند و ما در این جا فقط اسامی این دسته دوم را ذکر می‌کنیم که عبارت اند از:

۱. حجت الاسلام عبدالله حمیدی

۲. حجت الاسلام مرحوم محمد مهدوی

۳. حجت الاسلام مرحوم چمن نوری

۴. حجت الاسلام محمدظاهر سلطانی

۵. حجت الاسلام محمد امین سلطانی

۶. حجت الاسلام قنبر علی صمدی

۷. حجت الاسلام حمیدالله قاسمی

۸. حجت الاسلام عبدالخالق فیاضی

۹. حجت الاسلام احمد توسلی

۱۰. حجت الاسلام غلام رضا حسنی

۱۱. حجت الاسلام علی عارفی

۱۲. حجت الاسلام عزیرالله مبارز

برخی از این افراد امروزه بحمدالله از محققین و مبلغین موفق هستند که در زمینه های پژوهشی و تبلیغی صاحب اثر و منشأ خدمات فراوان در میان جامعه و مردم هستند.

ستارگان علمی و فرهنگی باغچار

۱. ملا سید رجب آقا (بنیانگذار مکتب کلاسیک و دولتی در باغچار)
۲. ملا سید عبدالله آقا (اولین معلم مکتب کلاسیک و دولتی در باغچار)
۳. ملا محمد حسین آخوند (آخوند قاضی)
۴. ملا حسین (تکیه دار تکیه خانه امام حسین(ع) در ایام محرم در منطقه قول)
۵. حجت الاسلام مرحوم ملا نظر آخوند
۶. حجت الاسلام مرحوم شیخ رمضانعلی فقیهی

۱. حجت الاسلام محمد حسین افضلی
۲. حجت الاسلام محسن احسانی
۳. حجت الاسلام مرحوم عبدالله مهدوی
۴. حجت الاسلام مرحوم مبارک ربانی
۵. حجت الاسلام هاشم وثوقی
۶. حجت الاسلام محمد کریمی
۷. حجت الاسلام غلام رسول محسنی
۱۱. حجت الاسلام محمد امین صادقی
۱۲. حجت الاسلام رحمت الله ضیایی
۱۳. حجت الاسلام امینی پشته
۱۴. حجت الاسلام اضغری پشته
۱۵. حجت الاسلام قنبر علی صمدی
۱۶. حجت الاسلام دکتر محمد ظاهر نصیری
۱۷. حجت الاسلام شاهزاده مطهری (فقیهی)
۱۸. حجت الاسلام عبدالله فقیهی
۱۹. حجت الاسلام علی عارفی
۲۰. حجت الاسلام مهدی عارفی
۲۱. حجت الاسلام مصطفی عارفی
۲۲. حجت الاسلام مرتضی حسینی
۲۳. حجت الاسلام غلام رضا حسنی
۲۴. حجت الاسلام حسین ربانی
۲۵. حجت الاسلام دکتر عبدالخالق عارفی
۲۶. حجت الاسلام عبدالخالق فیاضی
۲۷. حجت الاسلام رحمت الله متقی (جمشیدی)

۲۸. حجت الاسلام علی ضیایی
۲۹. حجت الاسلام مصطفی ضیایی
۳۰. حجت الاسلام شفیق صادقی
۳۱. حجت الاسلام دکتر عبدالمؤمن عرفانی (حکیمی)
۳۲. حجت الاسلام محمد ظاهر سلطانی
۳۳. حجت الاسلام محمد امین سلطانی
۳۴. حجت الاسلام مرحوم محمد مهدوی
۳۵. حجت الاسلام مرحوم چمن نوری
۳۶. حجت الاسلام احمد علی توسلی
۳۷. حجت الاسلام دکتر عبدالله شفایی
۳۸. حجت الاسلام دکتر امان الله شفایی
۳۹. حجت الاسلام دکتر محمد امین احمدی
۴۰. حجت الاسلام شهید سید محمد مظفری
۴۱. حجت الاسلام دکتر سید عباس مرتضوی
۴۲. حجت الاسلام سید ابو طالب مظفری
۴۳. حجت الاسلام عبدلی رحیمی
۴۴. حجت الاسلام محسن افضلی
۴۵. حجت الاسلام علی برهانی
۴۶. حجت الاسلام محمدی (اصفهان)
۴۷. حجت الاسلام عبدالله برهانی
۴۸. حجت الاسلام حمدالله قاسمی
۴۹. حجت الاسلام عبدالواحد مایلی
۵۰. حجت الاسلام مرحوم مظاهری (فرزند حاج حسین)
۵۱. حجت الاسلام غلام رسول جعفری
۵۲. حجت الاسلام دکتر عبدالخالق کریمی
۵۳. حجت الاسلام مرتضی کریمی
۵۴. حجت الاسلام حجت کریمی
۵۵. حجت الاسلام عبدالله حمیدی
- ۵۶

نکته: اسامی فوق مربوط به علماء و طلاب هستند که قبل از دهه ۱۳۳۰ تا پاییز سال ۱۴۰۱ در باغچار، قم و مشهد و در هرات افغانستان مشغول تدریس، تحصیل، پژوهش، تبلیغ و فعالیت های فرهنگی بوده اند.

نظام تعلیمی در مکاتب دولتی

در مورد تاریخ و پیشینه‌ای نظام تعلیمی مدرن و عصری در ارزگان، متأسفانه سند مکتوب در دست نیست. با توجه به تاریخچه نظام تعلیمی در افغانستان، در سال ۱۲۹۹ وزارت معارف تأسیس شد و طبق ماده ۶۸ قانون اساسی، تحصیل دوره ابتدائی در سراسر ولایات افغانستان اجباری گردید. می توان به این نتیجه رسید که آغاز نظام تعلیمی مدرن در ارزگان هم زمان با بقیه ولایات افغانستان بوده است. زیرا از آن جا که ارزگان خود نیز یکی از ولایات تحت حکومت و فرمان دولت مرکزی بوده، از این دستور استثناء نیست و قطعاً بعد از دستور حکومت مبنی بر تحصیل اجباری دوره ابتدائی، تعلیم و تربیت رسمی در ارزگان نیز آغاز شده است. و از طرف، معمولاً از زمان برنامه ریزی و ابلاغ و اجرایی سراسری نظام تعلیم و تربیت در تمام ولایات حد اقل یک سال طول می کشد، از این رو می توان گفت که نظام مدرن تعلیمی در ارزگان همچون بقیه ولایات در اوائل دهه ۱۳۰۰ شمسی بر می گردد.

اگرچه آغاز فعالیت مکاتب دولتی در ولایت ارزگان خاص به اوایل دهه ۱۳۰۰ برمی گردد، اما فعالیت مشهود این مکاتب در مرکز ارزگان خاص و قریه‌های اطراف، از اوایل ۱۳۳۰ شروع شده است که ابتدا در مرکز و بعدها به روستاها و قریه‌های اطراف گسترش یافته است. معلم عبدالحسین یوسفی که خود از اولین گروه فارغ التحصیلان این مکاتب در ارزگان خاص است می گوید: در سال ۱۳۳۰ شمسی، مکتب دولتی ابتدائی در مرکز ارزگان منطقه کهنه بازار شروع به فعالیت کرد و محدوده فعالیت این مکتب تا سال ۱۳۳۹ فقط تا کلاس ششم ابتدائی بود که در آن تدریس می شد. از سال ۱۳۳۹ مکتب متوسطه نیز فعال شد که تا سال ۱۳۴۱ علاوه بر دروس ابتدائی دروس متوسط نیز تدریس می شد. از سال ۱۳۴۱ به بعد مکتب لیسه، بنام لیسه شازمان در منطقه سیدان ارزگان فعالیت خود را آغاز می کند که با فعالیت لیسه در ارزگان مکاتب دولتی رونق می گیرد. (یوسفی، ۱۴۰۰). اما در قریه جات اطراف شروع مکاتب دولتی تاریخ متفاوت دارد، در برخی از قریه جات زودتر و در برخی دیگر دیرتر شروع به فعالیت نموده است (برای تفصیل بیشتر رک حسنی، ۱۴۰۱، ۳، ۴۲۲).

در این که چه تعداد مکاتب دولتی در ارزگان بوده، نگارنده به سندی مکتوب دست نیافته است تنها دولت آبادی می گوید: در سال ۱۳۴۹ در ولایت ارزگان ۱۰۸ مکتب وجود داشته که در آن ۱۳۷۷۲ نفر متعلم و ۲۹۳ معلم به درس و تدریس مشغول بودند. در همان سال از جمع ۹۰۱۰۰ نفر طفل بین ۷ تا ۱۲ سال فقط ۱۵ درصد شان شامل مکتب بودند. تا سال ۱۳۵۰ در این ولایت فقط ۲۳۴ نفر از طبقه اناث در ظاهر مکتب می رفته و بقیه نرینه بودند (دولت آبادی. (۱۳۷۱)، ۱۲).

پایه گذاری مکتب کلاسیک (مکتب دولتی) در باغچار

در سال ۱۳۴۳ یک مکتب ابتدائی دولتی تا صنف (کلاس) سوم در باغچار فعالیت خود را آغاز نمود. در ابتدا که اندیشه تأسیس و راه اندازی مکتب دولتی در باغچار مطرح شد، عدۀ زیادی از خانواده‌ها اعم از

زمین داران، کشاورزان، قشر متوسط و فقیر جامعه با این اندیشه مخالفت کردند. علت مخالفت آنان عمدتاً دوچیزه بوده است:

۱. آشنا نبودن مردم با ارزش تعلیم و تربیت. مردم منطقه به دلیل ظلم و اختناق که حاکمان جور همچون عبدالرحمان خان به وجود آورده بودند در فقر فرهنگی مطلق بر سر می بردند. عالمان دینی یا در دوره عبدالرحمان به شهادت رسیدند و یا از منطقه فرار کردند. از این رو، مردم و خانواده ها از فضای تعلیم و تربیت دور ماندند.

۲. وجود فقر و تنگدستی در میان خانواده ها. خانواده ها در منطقه معمولاً کشاورز، دهقان و یا دامدار بودند که فکر می کردند اگر فرزندان شان به مکتب بروند دیگر کسی نیست از دام های (گاو و گوسفند) آنها مراقبت کنند. سرمایه داران و دامداران نگران چوبان و گوران برای گوسفندان و گاوهای خود بوده اند و خانواده ها نگرانی از این داشتند که اگر فرزندان شان به مکتب بروند، توان پرداخت هزینه ی کتاب، معلم و مکتب را ندارند. علاوه بر آن، دیگر کسی نیست که کمک کار زندگی آنها باشد و مقدار از بار اقتصادی را از دوش آنها بردارد. از این رو، آنها با تأسیس مکتب دولتی در باغچار به شدت مخالفت می کردند. اما علارغم مخالفت و کارشکنی های زیادی که صورت می گرفت سرانجام تأسیس و راه اندازی یک مکتب دولتی بصورت رسمی از اداره دولتی در ارزگان درخواست شد.

این مکتب توسط مرحوم سید ملا رجب در خواست و کارهای اداری آن توسط مرحوم میرزا محمد ایوب که در اداره دولتی ارزگان مشغول به کار بوده است انجام می شود. بعد از موافقت دولت با این درخواست و ابلاغ اجرای آن به اربابان باغچار، دوباره مخالفت ها آغاز می شود این بار مخالفت مردم و اربابان به دلیل نبود مکان مناسب برای درس، نبودن جا برای معلم و یا معلمان دولتی و جمع کردن فرزندان در سن تعلیم برای درس خواند در مکتب دولتی بودند. در این جا سید رجب که درخواست دهنده اصلی مکتب دولتی بود فرزند خود سید عبدالله را به عنوان معلم این مکتب به ولسوالی معرفی می کند با تأیید حکم معلمی سید عبدالله، مکتب دولتی در بهار سال ۱۳۴۳ش، در باغچار عملاً فعالیت تعلیمی خود را آغاز می کند. مکتب دولتی در باغچار در دو مرحله فعالیت های تعلیمی و تربیتی خود را به سرانجام رساند.

مرحله اول

این مرحله که همزمان بود با شروع مکتب دولتی در باغچار، ابتدا به مدت سه سال کلاس های درس تا صنف (کلاس) سوم، در خانه شخصی مرحوم سید ملا رجب و گاهی با مساعد بودن هوا در فضای آزاد مانند پشت بام و زیر درخت برگزار می شد. در این دوره تنها معلم این کلاس ها فرزند سید رجب، مرحوم سید عبدالله بوده است.

مرحله دوم

بعد از سه سال دوره تعلیمی مکتب دولتی و فارغ التحصیل شدن دانش آموزان این دوره، سه سال دیگر به این دوره افزوده می شود و مکتب دولتی باغچار به یک دوره شش ساله ارتقاء پیدا می کند. با ارتقا مکتب دولتی به دوره ی شش ساله، فصل جدیدی در تعلیم و تربیت کلاسیک در باغچار آغاز می شود.

۱. در این دوره علاوه بر پذیرش دانش آموزان جدید ابتدایی، دانش آموزان فارغ التحصیل از دوره سه ساله قبل به کلاس چهارم ارتقاء پیدا می کند و صنف چهارم نیز شروع می شود.

۲. در این مرحله سه نفر معلم رسمی به نام های معلم داد الله، معلم لطیف و... از ولسوالی به باغچار می آیند و فعالیت آموزش و تدریس کلاس ها را به عهده می گیرند.

۳. ساخت ساختمان رسمی به نام مکتب دولتی. با آمدن معلمان جدید به باغچار، آنها ابتدا اربابان و موی سفیدان باغچار را جمع کرده و از آنها درخواست ساختن ساختمان به نام مدرسه دولتی را می کنند. اربابان و محاسن سفیدان نیز با قبول این پیشنهاد، با کمک مردم ساخت یک مدرسه دولتی را در منطقه ی کوه جو آغاز می کنند. اما با توجه به فصل شروع کلاس ها و نبودن جای مناسب برای تدریس، در ابتدا، مکان کلاس های درسی که قبلاً در خانه سید عبدالله برگزار می شد، به منطقه «بتاز» جای «خدا رحم زاهد» منتقل می شود. با تکمیل نشدن ساختمان مدرسه، این سال تحصیلی نیز کلاس های درس در فضای آزاد زیردرختان برگزار شدند. از سال پنجم و باتکمیل و ساخت ساختمان مدرسه، کلاس های درس در این ساختمان جدید منتقل می گردد. در مکتب جدید، حدود ۴۰ الی ۵۰ نفر پسر از کلاس اول تا ششم ابتدایی مشغول به تحصیل بوده اند. در این دوره امر تدریس به عهد سه تن از معلمان به اسم معلم داد الله، معلم لطیف و... بوده اند که همگی از مرکز (ارزگان) می آمدند و بطور شبانه روز در آن مدرسه ساکن بودند. دانش آموزان دوره اول موفق شدند صنف ششم را به اتمام برسانند و برای سال هفتم (دوره متوسطه) پیشنهاد شدند که فارغ التحصیلان دوره ابتدایی برای ادامه تحصیل به مرکز ولسوالی ارزگان خاص بروند و به تحصیلات خود ادامه دهند که به دلیل نبود امکانات و استقبال نکردن مردم به سرانجام نرسید.

مکتب دولتی باغچار تا سال ۱۳۵۸ش، ادامه داشت که با فراگیر شدن انقلاب مردم افغانستان در اکثر ولایات از جمله در ارزگان، این مکتب مانند بقیه مکاتب دولتی تعطیل می شود. مردم ساختمان مکتب را تخریب و چوب های که برای ساخت آن بکار رفته بود بردند (محسنی، ۱۴۰۱).

روش آموزش

در مکتب باغچار در دوره اول که سید عبدالله معلم بوده است، روش آموزش در مکتب دولتی، یک روش سنتی بوده است که معلم هردرس را از روی کتاب می خواند و توضیح می داد. اما در دوره دوم که سه تا معلم از مرکز ولسوالی آمدند آنها از تخته سیاه و تباشیر (کج سفید) نیز استفاده می کردند و برخی از درس های مشکل را مانند ریاضی بر روی تخته سیاه می نوشت و توضیح می دادند. در این دوره معلمان به نوبت سری کلاس ها می رفتند و مضامین را آموزش می دادند. معلمان در کلاس در حال که کتاب در دست داشتند بصورت استاده و گاهی در حال راه رفتن در مقابل دانش آموزان مطالب درسی را توضیح و بیان می کردند (محسنی، ۱۴۰۱).

روش امتحان

در مکتب دولتی چه در دوره اول (از صنف اول تا سوم) و چه در دوره دوم که معلمان رسمی از ولسوالی می‌آمدند و کلاس‌ها از صنف اول تا ششم فعال بودند، در دو مرحله امتحان و ارزش‌یابی انجام می‌گرفت. امتحان میان سال و پایان سال.

امتحان میان سال

در این مرحله، سه نفر به‌عنوان مفتش از مرکز ولسوالی برای امتحان به باغچار می‌آمدند و وضعیت درسی دانش‌آموزان را ارزیابی می‌کردند. روش ارزش‌یابی در این مرحله به این صورت بود که از هر نفر دانش‌آموز بصورت تک تک امتحان کتبی و یا شفاهی گرفته نمی‌شد بلکه سه نفر مفتش در هر کلاس می‌رفتند و تعداد دو و یا سه نفر دانش‌آموز را به‌عنوان نماینده کل کلاس انتخاب می‌کردند و از آن‌ها مطالب درسی را سؤال می‌کردند موفقیت و یا عدم موفقیت آن‌ها در ارزش‌یابی، به منزله موفقیت و یا عدم موفقیت کل کلاس به حساب می‌آمد.

امتحان پایان سال

در امتحان پایان سال از هر دانش‌آموز به صورت کتبی و شفاهی امتحان به عمل می‌آمد و بعد از امتحان پایان سال نتیجه امتحان به دو صورت «کام یاب» یعنی موفقیت در امتحان و این که دانش‌آموز می‌تواند به کلاس بالاتر ارتقاء یابد و «ناکام» یعنی موفق نبودن در امتحان و این که دانش‌آموز نمی‌تواند به کلاس بالاتر ارتقاء یابد و باید همان کلاس را دو باره بخواند، اعلام می‌شد (محسنی، ۱۴۰۱).

تعلیم و تربیت زنان در باغچار

به دلیل وجود فرهنگ خاصی که در میان مردم وجود داشته است، تعلیم و تربیت زنان میان مردم و خانواده‌ها در باغچار متداول نبوده است. حتی در خانواده‌های که پدر و پدر کلان با سواد بوده‌اند فرزندان پسر همه با سواد شدند ولی دختران و زنان سواد خواندن و نوشتن را ندارند. اگر مورد و یا موارد یافته بشود نا متعارف و خیلی نادر است. از این رو، زنان خواندن و نوشتن را بلد نبوده‌اند.

مکاتب کلاسیک بعد از انقلاب در باغچار

اگرچه بعد از انقلاب در ارزشگاه خاص و اکثر مناطق و قریه‌های اطراف مانند جوی نو، حسینی، سیابغل، کندلان، خواجه روشنایی (خوجه روشنی)، مکاتب کلاسیک توسط مردم و با کمک برخی از احزاب جهادی فعالیت خود را آغاز کردند و تا مرحله لیسه (دبیرستان) دانش‌آموزان دختر و پسر مشغول به تحصیل بودند، (حسینی، ۱۴۰۱، ۳، ۴۲۶) اما در منطقه باغچار هیچ گونه فعالیت‌های کلاسیک وجود نداشته است.

طلایه داران علم و فرهنگ در باغچار

۱. مرحوم ملا نظر آخوند باغچاری

زندگی‌نامه

مرحوم ملا خدا نظر معروف به آخوند باغچار، فرزند قاسم علی در سال ۱۳۰۸ ش، در قریه باغچار از توابع ولسوالی ارزگان خاص، در یک خانواده متدین و مذهبی، به دنیا آمد. مرحوم آخوند دروس مقدماتی صرف و نحو را در زادگاهش نزد مرحوم ملا محمدحسین آخوند فراگرفت و سپس عازم شیرداغ و در حوزه درسی ملا برات علی (آخوند شیرداغ) شرکت نمود و در مدت چهار سال در ادبیات عرب شرح جامی، سیوطی، در فقه وسیله النجاة آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی، منهاج الصالحین آیت الله حکیم، شرایع الاسلام محقق حلی، عروۃ الوثقی سید محمد کاظم یزدی، در تفسیر مقداری از تفسیر مجمع البیان و در کلام شرح حادی عشر را فراگر می‌گیرد.

مرحوم آخوند بعد از چهار سال تحصیل در شیرداغ، به همراه مرحوم فقیهی عازم مالستان می‌شود و در به مدرسه علمیه شیخ صفر علی مالستانی در قریه (لاله‌چک) مالستان، بعد از ارزیابی تحصیلی توسط آخوند مالستان مورد پذیرش قرار می‌گیرد و به تحصیل خود در آن جا ادامه می‌دهد. وی در مدت چهار سال اقامت در حوزه علمیه شیخ صفرعلی موفق شدم برخی از درسها را دوره نموده و برخی از دروس جدید مانند حاشیه ملا عبدالله در منطق، معالم الدین در اصول مطول در معانی، بیان و بدیع را نزد ایشان تلمذ می‌کند. مرحوم ملا نظر آخوند پس از یک عمر فعالیت‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی سرانجام در صحرگاه ۱۳۹۹/۲/۲۸ برابر با ۲۳ رمضان ۱۴۴۱ق، داعبی حق را لیبیک گفته و در آرمگاه بهشت معصومه در جوار حضرت معصومه (ص) ارام گرفت (آخوند، ۱۳۹۸).

فعالیت های اجتماعی

از آن جا که در اکثر ولایات افغانستان و از جمله ارزگان، حکومت مقتدر مرکزی وجود نداشت تا به دعاوی و مناقشات مردم رسیدگی کند، علماء بزرگ در هر منطقه مرجع رسیدگی به دعاها و مناقشات خانوادگی و مردمی بودند و چون مردم متدین منطقه به علماء خود اعتماد داشتند در مناقشات خود به آنان مراجعه می کردند و هرچه آنها فیصله می کردند طرفین قبول می نمودند. در منطقه باغچار نیز مردم متدین باغچار به علماء بزرگ شان مثل مرحوم ملا نظر آخوند و مرحوم شیخ رمضانعلی فقیهی علاقه و اطمینان داشتند در امورات اجتماعی به آنان مراجعه می کردند. مرحوم آخوند علاوه بر رسیدگی به امور شرعی مردم از قبیل: اجرای صیغه عقد و طلاق، کفن و دفن اموات، شرکت در مراسم ختم و عروسی و... مرجع حل و فصل دعاها و مناقشات خانوادگی و اجتماعی مردم نیز بوده است.

او با چهره گشاده و سیه صدر هر روزه در منزل شخصی خود پذیرای عده زیاد از افراد بودند که برای حل و فصل دعاها و مناقشات شان و امور دیگر مراجعه می کردند. مرحوم آخوند نه تنها در منزل پاسخگوی مراجعات مردمی بود بلکه گاهی خود نیز برای حل و فصل مناقشات خانوادگی و اجتماعی به خانه افراد می رفت و با پا در میانی و استفاده از آبرو و اعتبار اجتماعی خود به مناقشات خاتمه می داد. از آن جا که آخوند نه تنها در میان شیعیان منطقه از آبرو و اعتبار برخوردار بود بلکه در میان مردم اهل سنت منطقه و کوچیان که در منطقه می آمدند نیز مورد احترام خاص بود، خیلی از موارد بوده است که با پا در میانی خود، مناقشات بین اهل سنت را نیز خاتمه داده است.

فعالیت های فرهنگی

مرحوم آخوند در ده محرم فعالانه در مراسم غزاداری سرور و سالار شهیدان کربلا شرکت می کرد او در این ده هر شب بر تبلیغ و ارشاد مردم می پرداخت، کلمات که از قلب پاک و نفس گرم او بر می خواست چنان بر روح و روان مستمعین تأثیر گزار بود که مدت ها در ذهن مردم می ماند و روزها باهم دیگر نقل می کردند که آخوند چنین گفته است. او بسیار روضه های جانسوز می خواند، خود سخت گریه می گرد و مردم را به شدت می گریاند. نفس پاک و گرم او بقدر مؤثر بود همین که شروع به سلام دادن به سید الشهداء می کرد و می گفت: السلام علیک یا آبا عبدالله و نام از کربلا می برد، مردم زن و مرد، پیر و جوان، بی اختیار ناله می زد این ناله ها به قدر جانسوز بود که خود مرحوم آخوند بی اختیار از جا بلند می شد بر روی منبر می ایستاد به روضه ادامه می داد و ناله می زد گریه های مردم حتی بعد از پایان روضه آخوند نیز ادامه داشت.

برزگترین فعالیت فرهنگی مرحوم آخوند، تأسیس مدرسه علمیه، تربیت و پرورش طلاب و عالمان دینی بوده که امروزه هر کدام از آنان منشأ خدمات ارزنده به جامعه و مردم هستند.

مرحوم حجت الاسلام شیخ رمضانعلی فقیهی باغچاری

زندگی نامه

مرحوم رمضانعلی فقیهی، فرزند کربلایی محمد علی در سال ۱۳۲۰ش، در قریه باغچار از توابع ولسوالی ارزگان خاص به دنیا آمد. فقیهی پس از فراگیری خواندن و نوشتن در زادگاهش، روانه شیرداغ شد و مدت چند سال از محضر ملا برات علی (آخوند شیرداغ) بهره مند می شود و سپس به همراه آخوند باغچار به قصد ادامه تحصیل عازم مالستان می شود و در مدرسه علمیه شیخ صفرعلی در قریه (لاله چک) مالستان ادامه تحصیل می دهند. او در سن شانزده سالگی به منظور ادامه تحصیل عازم نجف اشرف شده و دروس سطوح را از محضر اساتید معروف آن زمان همچون مجتبی لنکرانی، اسدالله مدنی، اسحاق فیاض فرا گرفت و سپس در دروس خارج فقه و اصول آیت الله العظمی خویی شرکت و از محضر او بهره مند شدند. او پس از بازگشت به زادگاهش خدمات علمی و فرهنگی زیادی ارائه داد. ایشان در اواخر سال ۱۳۶۹ش، به دلیل جنگ در منطقه و تخلیه شدن باغچار، به همراه خانواده عازم ایران شد و به دلیل علاقه شدید که درس و بحث علمی داشت، مدت ۱۲ سال از دروس فقه و اصول مراجع قم همچون فاضل لنگرانی، وحید خراسانی بهره مند شد. فقیهی پس از یک عمر تحصیل، تدریس، خدمات فرهنگی و اجتماعی سر انجام در سال ۱۳۸۲ش، در سن ۶۳ سالگی در قم در گذشت (مجله یاسن، ۱۳۹۸، ۵۰، ۱۵۱ با کمی تلخیص و اضافات).

فعالیت ها

۱. خدمات علمی فرهنگی

مرحوم فقهی اولین طلبه مقیم باغچار است که بعد از دوران عبدالرحمن موفق می شود تحصیلات خود را در حوزه علمیه نجف ادامه دهد. ایشان در نجف هم مباحث ایت الله شیخ آصف محسنی قندهاری بوده است. بعد از تحصیل در نجف اشرف، به زادگاهش باغچار بر می گردد. ایشان با دعوت مردم «کنه بازار» در ارزگان خاص، چند سال در مرکز مستقر می شود و در مسجد «کنه بازار» به فعالیت های فرهنگی مشغول می شود. مرحوم فقهی علاوه بر اقامه نماز جماعت و رسیدگی به امور شرعی و اجتماعی مردم منطقه، به تدریس علوم دینی برای طلاب جویای علم و تحصیل می پردازد. دو تا اطاق واقع در کنار مسجد را که از زمان اقامت طلاب اوغان ها باقی مانده بود به امر تدریس طلاب اختصاص می دهد.

شاگردان مرحوم فقهی در ارزگان و باغچار

الف) ارزگان

۱. مرحوم سید غلام حیدر موسوی کهنه بازار
۲. مرحوم شهید کریمی شیر داغ
۳. مرحوم تقدسی شیرداغ
۴. ملا غلام نبی پشته ی باغچار
۵. حاج ملا عبدالله هوتی
۶. ملا محمد عیسی شیخه
۷. ملا خدا رحم حسینی
۸. و تعداد دیگری از شاگردان بودند که در محضر مرحوم فقیهی کسب علم نمودند

ب) باغچار

مرحوم فقیهی بعد از چند سال خدمت در ارزگان (کهنه بازار) به زادگاهش باغچار بر می گردد. او در باغچار نیز مرجع برای رجوع مردم بوده است که برای امور شرعی و اجتماعی خویش مراجعه می کردند. فقیهی علاوه بر فعالیت های اجتماعی و رسیدگی به امور شرعی و اجتماعی مردم، مشغول فعالیت های فرهنگی از جمله تدریس علوم دینی نیز بوده است. ایشان در منزل خود به تعداد از افراد جویای تحصیل تدریس نموده است از جمله:

۱. شهید سید محمد مظفری
۲. مرحوم عبدالله مهدوی از شاگردان برجسته مرحوم فقیهی در باغچار است (و ثوقی، ۱۴۰۰).

۳. تبلیغی

مرحوم فقهی علاوه بر رسیدگی به امور اجتماعی و فرهنگی در امر تبلیغ علاقه مند بود، ایشان در منبر «منطقه قول» در ده محرم به ارشاد مردم و غزاداری سید الشهداء می پرداخت و با روضه های جانسوز خود یاد و خاطره سرور و سالار شهیدان کربلا را زنده نگه می داشت و از مستمعین خود خوب اشک می

گرفت و خود سخت گریه می کرد. فقیهی علاوه بر محرم، در مجالس ختم قرآن، مهمانی و عروسی ها از کوچک ترین و کمترین فرصت برای تبلیغ و ارشاد مردم استفاده می کرد.

سبک تبلیغی مرحوم فقیهی

مرحوم فقیهی در تبلیغ از سبک گفتگوی چهره به چهره استفاده می کرد و مهارت فوق العاده در این زمینه داشت. ایشان در هر مجلس و محفلی که شرکت می کرد اداره و نظم جلسه را بدست می گرفت و به تناسب مخاطبان خویش، مسئله شرعی (در جلسات عمومی) و یا عملی (در بین اهل علم) را مطرح و در اطراف آن به بحث و گفتگو می پرداخت و همه از مباحث مطرح شده لذت می بردند و استفاده می کردند. مرحوم فقیهی احترام فوق العاده در میان مردم منطقه داشت معمولاً از خانه های اقوام و آشنایان خویش سرکشی می نمود و گاهی هم تذکرات اخلاقی و شرعی به آنان می داد که در این جا به یک نمونه جالب آن اشاره می شود.

مرحوم فقیهی در مدت زندگی شان در ایران، به منطقه ورامین به منظور سرکشی از اقوام و آشنایان، زیاد به آن جا رفت و آمد می کردند. یکی از دوستان نقل می کرد که روزی مرحوم فقیهی در منطقه قلعه خواجه ورامین به یکی از آشنایان جوان بر خورد می کند که ریش شان را تراشیده، مرحوم فقیهی به آن جوان می گوید: فلانی (اسم او را می برد) چرا ریشت را تراشیدی؟ آن جوان با دست پاچگی می گوید: شیخ صاحب، من با تیغ نزدم بلکه با قیچی زدم. مرحوم فقیهی با لبخند می گوید: فلانی: وقت خانه تان را خراب کردی چه فرق می کند با بیل خراب کنی و یا با بلدوزر، در هر صورت خانه تان را خراب کردی! آن جوان می گوید من از این جواب جالب شیخ هم خنده ام گرفت و هم خجالت شدم و بعد از آن تصمیم گرفتم که دیگر ریشم را نتراشم. درود خدا بر روح پاک مرحوم فقیهی.

ملا محمد حسین آخوند (آخوند قاضی)

زندگی نامه

مرحوم ملا محمد حسین آخوند در قریه باغچار از توابع ولسوالی ارزگان خاص به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی خود را نزد مرحوم سید ملا سید رجب باغچاری فرا می گیرد و سپس به همراه «ملا حسین»، و ملا اسحاق عازم مالستان می شوند تا از حوزه علمیه مالستان و از محضر عبدالعلی کربلایی بهره مند شوند. مرحوم «ملا محمد حسین آخوند» بعد از چند سال تحصیل در مالستان با وکالت از طرف مرجع دینی آن زمان مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی، توسط آخوند مالستان دریافت می کند به زادگاه خود باغچار باز می گردد تا مصدر خدمت برای مردم محروم خود باشد.

فعالیت ها

۱. علمی: مرحوم ملا محمد حسین آخوند، بعد از بازگشت به باغچار، در کنار فعالیت های اجتماعی به تعلیم و تربیت افراد مشغول می شود که افراد همچون: سید قنبر فرزند سید مرحسین، شیخ عبدالحکیم فرزند ابراهیم، ملا عبدالله فرزند خداداد، ملا اختر فرزند خدا رحم (معروف به شکرک بیو)، ملا سرور

اسفندیار فرزند حاجی پاینده، ملا سلمان شیرداغ و عده‌ای دیگر، این‌ها افراد بودند که روزانه (معمولا زمستان) در خانه مرحوم ملا محمد حسین آخوند می‌آمدند و از دانش او بهره می‌بردند. این حوزه درسی بعد از چند سال به دلیل مشکلات خانوادگی (فوت همسر آخوند قاضی) مراجعان زیاد مردمی و فشار کارهای اجتماعی آنها تعطیل می‌شود.

اگر چه این حوزه درسی بعد از چند سال تعطیل می‌شود، ولی آثار و برکات آن در میان مردم و جامعه پیدا است و از جمله آثار این حوزه درسی شاگردان آخوند قاضی بودند که در مناطق متعدد باغچار وجود داشتند که در محرم‌ها هیئت‌های مذهبی را اداره می‌کردند و در قرآن خوانی‌ها، مردم از آنها بهره مند می‌شدند (محسنی، ۱۴۰۱ش).

۲. **اجتماعی - فرهنگی:** از آنجا که مرحوم ملا محمد حسین آخوند، به‌عنوان عالم دینی، نماینده و وکیل مرجعیت شیعه آن زمان مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی بوده است، مردم منطقه به امورات اجتماعی و دینی همچون، اجرای عقد، پرداخت و دریافت وجوهات شرعی، انجام امورات کفن و دفن اموات، رسیدگی به دعاوی و مناقشات به او مراجعه می‌کردند و او نیز به امورات فوق رسیدگی می‌کرد. ملا محمد حسین آخوند علاوه بر فعالیت‌های اجتماعی در مناسبت‌های همچون محرم به عنوان روحانی منطقه به تبلیغ و ارشاد مردم و غزاداری سید الشهدا می‌پرداخت (محسنی، ۱۴۰۱ش).

ملا سید رجب آقا (بنیانگذار مکتب کلاسیک و دولتی در باغچار)

زندگی‌نامه

سید رجب در سال ۱۲۸۳ش در خانواده مذهبی در قریه باغچار از توابع ولسوالی ارزگان خاص ولایت ارزگان دید به جهان کشود. مرحوم سید از عالمان وارسته و از شخصیت‌های معروف و برجسته باغچار بود. او انسان درد مند، درد آشنا روشنفکر بود که نگرش و نگاه نو به مسائل دینی، اعتقادی و سیاسی داشت او سرانجام در سال ۱۳۴۶ش، در زادگاهش باغچار در گذشت. (صادقی، ۱۴۰۱، ۳، ۳۹۵).

فعالیت‌ها

مرحوم سید ملا رجب، علاوه بر فعالیت‌های علمی، اجتماعی و تبلیغی، مهم ترین فعالیت فرهنگی او بنیانگذاری و تأسیس مکتب دولتی در باغچار بوده است. سید با توجه به احساس نیاز منطقه به مکتب و آموزش کلاسیک، اقدام به راه اندازی مکتب ابتدایی دولتی می‌کند. او به صورت رسمی از اداره دولتی در ارزگان درخواست می‌کند که مکتب ابتدایی دولتی در باغچار تأسیس و راه اندازی بشود، سرانجام با کمک میرزا محمد ایوب که کارمند دولت در بخش معارف در ارزگان بوده است موفق به گرفتن مجوز تأسیس مکتب ابتدایی در باغچار می‌شود (حسینی، ۱۴۰۱ش، ۳، ۴۲۵).

ملا حسین (تکیه دار تکیه خانه امام حسین(ع) در ایام محرم در منطقه قول)

از زندگی نامه مرحوم ملا حسین اطلاعات دقیق در دست نیست. او عاشق و تکیه دار مجلس عزاری سید الشهداء در منطقه قول بود که در ایام محرم از عزاداران حسینی در منزل (سیا خانه) محقر و با صفایی خود با تمام وجود از مهمانان حسینی پذیرایی می کرد. حشره الله مع الحسین و اصحاب الحسین (ع).

شهید سید محمد مظفری

زندگی نامه

سید محمد مظفری، فرزند سید رجب در سال ۱۳۳۰ ش، در قریه باغچار از توابع ولسوالی ارزگان خاص در یک خانواده مذهبی به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود نزد پدر و سپس مدت در مدرسه مرحوم ملا نظر آخوند فرا گرفت و سپس برای ادامه تحصیل عازم نجف شد و مدت هفت سال در حوزه علمیه نجف کسب علم و دانش نمود و سپس در سال ۱۳۵۶ ش به زادگاهش ارزگان برگشت.

فعالیت

۱. علمی

شهید مظفری بعد از آمدن در ارزگان، به منظور تربیت و پرورش طلاب علوم دینی در حوزه علمیه جعفریه در ارزگان خاص در کنار استاد فیاض مشغول تدریس و تربیت طلاب علوم دینی شد و عده از طلاب جوان از دانش او بهره گرفتند.

۲. اجتماعی

امامت جماعت مسجد جامع ارزگان خاص در کهنه بازار، پاسخ به مسائل شرعی، پی گیری پس گیری زمین های غصب شده باغچار در زمان عبدالرحمان، در مرکز ولایت و محاکم مربوطه در پایتخت از جمله فعالیت های اجتماعی شهید سید محمد مظفری بوده است.

۳. تبلیغی

تبلیغ و بیان احکام و معارف دینی، مبارزه با افکار انحرافی، روشنگری مردم به ویژه نسل جوان نسبت به حکومت و تفکرات کمونیستی بخشی از فعالیت های تبلیغی شهید سید محمد مظفری بوده است.

شهادت

مظفری، سرانجام در سال ۱۳۵۷ ش، در زادگاهش باغچار، توسط عوامل مزدور کمونیستی دستگیر و به ارزگان منتقل و مانند ده ها عالم دینی دیگر به شهادت رسید (صادقی، ۱۴۰۱، ۳، ۴۰۵-۴۰۶).

منابع

ارزگانی، محمد افضل، المنقول فی تاریخ هزاره و مغول، بی تا، بی جا.

حسینی، غلام رضا (۱۴۰۱)، کتاب همایش بین المللی ارزگان، مقالات فرهنگی و اجتماعی.

دولت آبادی، بصیر احمد (۱۳۷۳) شناسنامه افغانستان، قم: چاپخانه و لیتوگرافی شهید قم.

ل. تیمور خانوف (۱۳۷۲) تاریخ ملی هزاره، مترجم: عزیز طغیان، ایران، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چ اول.

لعلی، علی داد (۱۳۷۲)، سیری در هزاره‌جات، قم، صحافی احسانی، چ اول.

مصاحبه‌ها

آخوند، ملا نظر (۱۳۹۸) زندگی‌نامه. این زندگی‌نامه از زبان خود آن مرحوم، توسط فرزندش دکتر محمد ظاهر نصیری تهیه و تنظیم شده است.

احسانی، محسن (۱۴۰۱)، مصاحبه حضوری با حجت الاسلام احسانی.

شریفی، معلم عبدالحسین (۱۴۰۰). مصاحبه تلفنی با معلم عبدالحسین ارزگانی.

صادقی، رقیه (۱۴۰۰)، همسر معلم عبدالحسین شریفی ارزگانی (مصاحبه‌کننده دکتر صادقی ارزگانی)

قاسمی، حمیدالله (۱۴۰۱)، مصاحبه تلفنی با حجت الاسلام قاسمی.

محسنی، غلام رسول (۱۴۰۱). مصاحبه کتبی با حجت الاسلام محسنی باغچار.

وثوقی، محمد هاشم (۱۳۹۷) مصاحبه پیام یاسین (شماره ۵۰) و خود نگارنده با آیت الله وثوقی ارزگانی.